



تاریخچه‌ی روز بین المللی زنان

الکساندرا کولنتای در سال ۱۸۷۲ در روسیه به دنیا آمد. در ۲۶ سالگی برای تحصیلات دانشگاهی به سوئیس رفت، در آن زمان زنان از تحصیلات دانشگاهی در روسیه محروم بودند. او به هنگام بازگشت به پترزبورگ به مبارزات انقلابی پیوست. در سال ۱۹۰۹ به دنبال تهدید به دست گیری مجبور به ترک روسیه شد و تا ماه مارس ۱۹۱۷ در تبعید ماند. کولنتای در اولین حکومت بلشویک ها وزیر رفاه اجتماعی بود. او تنها زنی بود که چنین پستی داشت. کولنتای نوشته های بسیاری درباره ی مسأله ی زنان دارد. در نوشته هایش به تجزیه و تحلیل موقعیت زن در جامعه ی سرمایه داری و ارتباط مبارزات زنان با جنبش انقلابی و مبارزه برای سوسیالیسم پرداخته

است؛ و خانواده، آموزش در جامعه، روابط شخصی انسان ها را بررسی می کند و به خوبی نشان می دهد که این پدیده ها به طور اساسی به نحوه ی سازمان اجتماعی مربوط می گردند. کولنتای مقاله ی «روز بین المللی زنان» را در سال ۱۹۲۰ نوشت، در این مقاله او به پیوند مبارزات زنان با مبارزات طبقه ی کارگر تأکید فراوان دارد.

جشنی رزمنده

روز زنان یا روز زنان کارگر، روز همبستگی بین المللی و روزی برای ارزیابی نیرو و سازمان یافتگی زنان کارگر است. اما این روز فقط برای زنان ویژگی ندارد. هشت مارس روز تاریخی و فراموش نشدنی برای کارگران و دهقانان، برای تمام کارگران روسی و کارگران دنیا است. در ۱۹۱۷ در این سال، انقلاب عظیم فوریه آغاز شد. این زنان کارگر پترزبورگ بودند که این انقلاب را آغاز کردند، آن ها اولین کسانی بودند که تصمیم گرفتند پرچم مخالفت علیه تزار و همپالگی هایش را برافرازند. بنابراین روز بین المللی زنان جشنی دوگانه برای ما است. اما اگر این، تعطیلی همگانی برای تمام پرولتاریا است پس چرا ما آن را «روز زنان» می نامیم؟ پس چرا ما جشن ها و جلسات مخصوص که مشخصاً زنان کارگر و دهقان را مورد خطاب قرار می دهند، برگزار می کنیم؟ آیا این اتحاد و همبستگی طبقه ی کارگر را مورد خطر قرار نمی دهد؟ برای جواب به این سؤالات نگاهی به گذشته می افکنیم تا به بینیم که روز زنان چگونه شروع شد و به چه منظوری سازمان یافت.

روز زنان چرا و چگونه سازمان یافت؟

مدتی پیش در حقیقت، حدود ۱۰ سال پیش، مسأله برابری زنان و این که آیا زنان می توانند در جوار مردان در حکومت شرکت کنند بحث داغی بود. طبقه ی کارگر در تمام کشورهای سرمایه داری برای حقوق زنان کارگر مبارزه می کرد. بورژوازی نمی خواست این حقوق را به پذیرد. به نفع بورژوازی نبود که صدای طبقه ی کارگر را در پارلمان نیرومندتر کند. در تمام کشورها آن ها از تصویب شدن قوانینی که به زنان کارگر حق رأی- برای زنان با اصرار خاصی تأکید داشتند. در فوریه ۱۹۰۷ زنان سوسیالیست آمریکا تظاهرات و جلسات عظیمی در سراسر کشور بر پا داشتند. آنان خواستار حقوق سیاسی برای زنان کارگر بودند. این اولین «روز زنان» بود. بنابر این ابتکار سازمان دادن «روز زنان» به زنان آمریکا تعلق دارد. در سال ۱۹۱۰ در دومین کنفرانس بین المللی زنان کارگر سوسیالیست، کلارا زتکین مسأله ی سازمان دادن روز بین المللی زنان را مطرح کرد. کنفرانس تصمیم گرفت هر سال در تمام کشورها، زنان باید یک روز واحد را با شعار "حق رأی برای زنان، نیروی مان را در مبارزه برای سوسیالیزم متحد خواهد کرد." جشن گیرند. در آن سال ها مسأله دموکراتیک تر کردن پارلمان یعنی گسترش حق رأی و حق انتخاب شدن، به طوری که شامل زنان نیز گردد، امری حیاتی بود. حتی قبل از جنگ جهانی اول، کارگران در تمام کشورهای بورژوا به جز روسیه حق رأی داشتند. تنها زنان، در کنار دیوانگان بدون این حقوق باقی ماندند. با وجود این در همان زمان، واقعیت سخت سرمایه داری خواستار شرکت زنان در اقتصاد کشور بود. هر ساله تعداد زنانی که مجبور بودند در کارخانه ها و کارگاه ها کار کنند و یا مستخدم و پیش خدمت خانه ها شوند

افزایش می یافت. زنان در کنار مردان کار می کردند و ثروت مملکت با دست های آنان ساخته می شد، اما زنان بدون رأی باقی ماندند. در سال های آخر ما قبل جنگ، افزایش قیمت ها حتی صلح جوترین زنان خانه دار را هم مجبور کرد که به مسائل سیاسی علاقه مند شوند و بر علیه اقتصاد چپاول گرانه بورژوازی با صدای رسا اعتراض کنند. «شورش زنان خانه دار» مکرراً تکرار می شد و در اوقات مختلف در اتریش، انگلستان، فرانسه و آلمان اوج می گرفت. زنان کارگر فهمیدند که فقط کافی نیست در و تخته ی دکان ها را در بازار بشکنند و یا تاجر تک و توکی را تهدید کنند، آن ها فهمیدند که چنین حرکتی مخارج زندگی را پانین نمی آورد. آن ها می بایست سیاست های حکومت را تغییر به دهند. بدین منظور، طبقه ی کارگر باید حق رأی و حق انتخاب شدن را گسترش می داد. تصمیم بر این شد که در هر کشوری یک «روز زنان» به عنوان شکلی از مبارزه برای به دست آوردن حق رأی برای زنان کارگر برگزار شود، این روز می بایست روز همبستگی بین المللی در مبارزه برای اهداف مشترک و روزی برای ارزیابی نیروی سازمان یافته زنان کارگر در زیر پرچم سوسیالیست می بود.

اولین روز بین المللی

تصمیمی که در دومین کنفرانس بین المللی زنان سوسیالیست گرفته شد. در صفحه ی کاغذ نماند. تصمیم بر آن شد که اولین روز بین المللی زنان در روز ۱۹ مارس ۱۹۱۱ برگزار شود. این تاریخ اتفاقی انتخاب نشد. رفقای آلمانی ما این روز را انتخاب کردند، زیرا اهمیتی تاریخی برای پروتاریای آلمان داشت.

در ۱۹ مارس، در سال انقلاب ۱۸۴۸ شاه پروس برای اولین بار قدرت توده‌های مسلح را به رسمیت شناخت و در برابر تهدید شورش پرولتاریا سر فرود آورد. در میان تمام وعده‌هایی که او داد و بعداً خلف وعده کرد، وعده‌ی دادن حق رأی به زنان بود. پس از ژانویه ۱۹۱۱ فعالیت‌هایی در آلمان و اتریش برای تدارک روز زنان شد. آنان برنامه‌های تظاهرات را شفاهاً و از طریق مطبوعات اعلام کردند. یک هفته پیش از روز زنان دو مجله منتشر شد، در آلمان «رأی برای زنان» و در اتریش «روز زنان» منتشر شد. مقالات مختلفی به روز زنان اختصاص داده شدند. «زنان و پارلمان»، «زنان کارگر و امور کشوری»، «رابطه زنان خانه‌دار با سیاست چیست؟» و غیره. مسأله‌ی برابری زنان در حکومت و در جامعه به طوری همه‌جانبه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تمام مقالات بر یک نکته تأکید داشتند، این که برای دموکراتیک‌تر کردن پارلمان، حق رأی و حق انتخاب شدن زنان ضرورت مطلق دارد. اولین روز بین‌المللی زنان در سال ۱۹۱۱ برگزار شد. موفقیت آن فراتر از تمام انتظارات رفت. آلمان و اتریش در روز بین‌المللی زنان کارگر، دریای جوشان و ملتهبی از زنان بودند. جلسات در همه جا ترتیب داده شدند. در شهرهای کوچک و حتی در دهات. سالن‌ها چنان تنگاتنگ پر شدند که از کارگران خواسته شد که جای خود را به زنان دهند. یقیناً این اولین نمایش رزمندگی زنان کارگر بود. مردها به جای زنان با بچه‌ها در خانه‌ها ماندند و زنان شان، زنان خانه‌دار محبوس به جلسات رفتند. در اتریش با پلیس تصادم شد. طی بزرگ‌ترین تظاهرات خیابانی که در آن ۳۰۰۰۰ نفر شرکت داشتند پلیس تصمیم گرفت که پرچم‌های تظاهرکنندگان را از آنان به گیرد. زنان کارگر مقاومت کردند. در برخوردی که به دنبال آمد، جلوی خونریزی با کمک

نمایندگان سوسیالیست پارلمان گرفته شد. در سال ۱۹۱۳ روز بین المللی زنان به ۸ مارس منتقل شد. از آن پس تاریخ ۸ مارس، روز رزمندگی زنان کارگر باقی ماند.

آیا روز زنان ضروری است؟

روز زنان در اروپا و آمریکا نتایج حیرت آوری داشته است. درست است که هیچ یک از پارلمان های بورژوا به فکر دادن امتیازی به کارگران نیفتادند و یا به درخواست های زنان جوابی ندادند، چرا که در آن زمان بورژوازی با انقلاب سوسیالیستی تهدید نمی شد. اما روز زنان دست آورد داشت. برتر از همه تبدیل به روش عالی تبلیغ در میان خواهران پرولتری که کمتر سیاسی بودند شد. آن ها نمی توانستند به جلسات، تظاهرات، پُسترها، جزوه ها، روزنامه هائی که به زنان کارگر اختصاص داده شده بودند، بی توجه به مانند. حتی زنان کارگری که از نظر سیاسی در میان عقب افتاده ترین قرار می گرفتند نیز با خود فکر می کردند. "این روز ما است فستیوالی برای زنان کارگر" و به شتاب به جلسات می رفتند هر روز زنان کارگر، زنان بیشتری به احزاب سوسیالیستی می پیوستند و اتحادیه های کارگری رشد کردند. سازمان دهی بهتر شد و آگاهی سیاسی رشد کرد. روز زنان خدمت دیگری هم کرد. همبستگی بین المللی کارگران را قوت بخشید. احزاب کشورهای مختلف معمولاً در این مواقع سخن ران مبادله می کنند، رفقای آلمانی به انگلستان می روند، رفقای انگلیسی به هلند می روند و غیره، پیوستگی بین المللی زنان کارگر محکم و قوی شد و این بدین معنی است که نیروی مبارزاتی پرولتاریا

مجموعاً رشد کرده است. این ها نتایج روز رزمندگی زنان کارگر است. این نتایج نشان می دهند، که کسانی که طوری حرف می زدند که گویا ارزشی ندارد که روز رزمنده جداگانه زنان برگزار شود، اشتباه می کردند. تجربه چندین ساله چیزی دیگر به ما می آموزد. روز رزمندگی زنان کارگر به افزایش آگاهی و سازمان دهی زنان پرولتاریا کمک می کند. یعنی سهم مهمی در موفقیت کسانی که برای آینده ای بهتر برای طبقه ی کارگر مبارزه می کنند، دارد.

روز زنان کارگر روسیه

زنان کارگر روسی اولین بار در سال ۱۹۱۳ در روز «روز زنان کارگر» شرکت کردند این دوره ی ارتجاع زمانی بود که تزار کارگران و دهقانان را در پنجه فاسد خود می فشرد. فکر این که «روز زنان کارگر» آشکارا و به شکل تظاهرات جشن گرفته شود نمی توانست مطرح باشد. اما زنان کارگر سازمان یافته قادر بودند که روز بین المللی خود را به ثبت رسانند. دو روزنامه قانونی طبقه ی کارگر، «پراودا»ی بلشویک ها و «لئوچ» منشویک ها مقالاتی درباره ی روز بین المللی زنان داشتند. آن ها مقالات مخصوصی داشتند و عکس هائی از کسانی نظیر رفقای خارجی «اگوست بیل» و «کلارا زتکین» که مبارزه می کردند و در جنبش زنان کارگر شرکت داشتند. در آن سال های تاریک جلسات ممنوع بودند، اما در پتروگراد، در مرکز مخابراتی «کلاشیکووسکی» زنان کارگری که متعلق به حزب بودند، یک روز صبح، سخن رانی و بحث در باره ی مسأله ی زن ترتیب دادند. ورودیه ۵ کُپک بود.

این جلسه غیرقانونی بود، اما سالن کاملاً پر شده بود، اعضاء حزب صحبت کردند، اما قبل از اتمام این جلسه، پلیس که گوش به زنگ بود و احساس خطر می کرد مداخله کرد و بسیاری از سخن رانان را دست گیر نمود. این که زنان روسیه، که تحت ستم تزاری می زیستند، توانستند به مبارزه به پیوندند و به نحوی با عمل خود روز جهانی زنان را اذعان دارند اهمیت عظیمی برای کارگران تمام جهان داشت. این علامت خوبی مبنی بر آن بود که روسیه داشت بیدار می شد و زندان ها و چوبه های دار تزاری توان این را نداشتند که روح مبارزه جوئی و اعتراض جوئی کارگران را نابود کنند. در سال ۱۹۱۴ «روز زنان کارگر» در روسیه بهتر سازمان دهی شد. هر دو روزنامه کارگران مربوط جشن بودند. رفقای ما نیروی بسیاری به تدارک «روز زنان کارگر» روسیه اختصاص دادند. به خاطر دخالت پلیس آنان نتوانستند تظاهرات سازمان دهند. کسانی که دست اندر کار برنامه ریزی «روز زنان کارگر» بودند خود را در زندان های تزار یافتند و بسیاری از آن ها بعدها به شمال سرد فرستاده شدند. شعار «برای حق رأی زنان کارگر مبارزه کن» طبیعتاً در روسیه به درخواست صریحی برای سرنگونی اتوکراسی تزاری تبدیل شد.

روز زنان کارگر به هنگام جنگ امپریالیستی

اولین جنگ جهانی شروع شد. خون جنگ، سرپای طبقه ی کارگر تمام کشورها را دربر گرفت. در سال ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ «روز زنان کارگر» در خارج حادثه ای بی رونق بود. زنان سوسیالیست چپی که در نظریات حزب بلشویک سهم بودند تلاش کردند که ۸ مارس را به تظاهرات ضدجنگ زنان

کارگر مبدل کنند. اما احزاب سوسیالیست خیانت کار در آلمان و در سایر کشورها اجازه به زنان سوسیالیست ندادند که گردهمایی‌های خود را ترتیب دهند. از دادن پاسپورت به زنان سوسیالیست برای رفتن به کشورهای بی طرف، جاهانی که زنان کارگر می خواستند جلسات بین المللی برگزار کنند و نشان دهند که بر خلاف امیال بورژوازی روح همبستگی در میان کارگران هم چنان زنده است، امتناع شد. در سال ۱۹۱۵ فقط در نروژ توانستند که تظاهراتی در روز زنان برگزار کنند. نمایندگانی از روسیه و کشورهای بی طرف در آن شرکت کردند. فکر برگزار کردن روز زنان در روسیه واهی بود زیرا که قدرت تزاریزم و ماشین نظامی لجام گسیخته بود.

اما پس از آن، سال پُر عظمت ۱۹۱۷ فرا رسید. گرسنگی، سرما، محاکمات جنگی صبر زنان کارگر و دهقان روسیه را درهم شکست. در سال ۱۹۱۷ در ۸ مارس در روز زنان کارگر، آنان دلیرانه به خیابان‌های پتروگراد آمدند. زنان، برخی از کارگران، برخی از همسران سربازان، خواستار "نان برای فرزندان" و "بازگشت شوهران از سنگرها" بودند. در این زمان تعیین کننده مخالفت زنان کارگر چنان تهدیدآمیز بود که حتی نیروهای امنیتی تزاری جسارت نکردند که معامله معمولی را که با «یاغیان» می کردند، با آن‌ها نیز بکنند، بلکه با گنجی به دریای طوفانی خشم مردم چشم دوختند.

در سال ۱۹۱۷ روز زنان کارگر به روزی فراموش نشدنی در تاریخ مبدل شد. در این روز زنان روسی مشعل انقلاب پرولتاریا را برافروختند و تمام دنیا را به آتش کشیدند. این روز، روز آغاز انقلاب فوریه بود.

فراخوان ما برای رویارویی

«روز زنان کارگر» اولین بار ۱۰ سال پیش به عنوان جزئی از رشته اقداماتی بود که برای برابری سیاسی زنان و مبارزه برای سوسیالیزم سازمان یافت. این هدف برای زنان کارگر روسیه تحقق یافته است. در جمهوری شوراهای، زنان کارگر و دهقان نیازی به مبارزه برای حق رأی و حق انتخاب شدن و حقوق مدنی ندارند، آنان هم اکنون این حقوق را کسب کرده اند. زنان کارگر و دهقان روسی شهروندان برابر هستند. در دست شان سلاح قدرتمندی که مبارزه برای زندگی بهتر را سهل تر می کند، حق رأی و حق شرکت در شوراهای و تمام سازمان های اشتراکی را دارند.

اما داشتن حق به تنهایی کافی نیست. ما باید یاد به گیریم که از این حق استفاده کنیم. حق رأی سلاحی است که ما باید استادانه یاد به گیریم که چگونه از آن به نفع خود و به نفع جمهوری کارگران استفاده کنیم. در طی دو سال قدرت شوراهای زندگی کاملاً تغییر نیافته است. ما فقط در جریان مبارزه برای کمونیزم هستیم. ما در جهانی که از گذشته تاریک و ستم بارمان به ارث برده ایم در محاصره ایم. بندهای خانواده، کار خانگی، فحشاء، هم چنان به سنگینی بر زنان کارگر فشار می آورند. زنان کارگر و دهقان فقط زمانی می توانند خود را از این شرایط رها سازند و برابری را در خود زندگی و نه فقط در برابر قانون کسب کنند که تمام نیروی شان را برای ساختن روسیه شورائی به عنوان یک جامعه ی واقعاً کمونیستی اختصاص دهند.

برای تسریع این امر، ما باید اول اقتصاد درهم شکسته روسیه را به سازیم. ما باید حل دو وظیفه فوری را بررسی کنیم. ساختن نیروی کار با انضباط و با آگاهی سیاسی و استقرار دوباره ی وسائط نقلیه. اگر ارتش کار ما خوب کار

کند ما به زودی و دوباره صاحب ماشین بخار خواهیم شد، راه آهن شروع به کار خواهد کرد. این به معنی این است که زنان و مردان کارگر نان، هیزم و مواد خامی را که نیاز حیاتی بدن دارند به دست می آورند.

برگرداندن وسائط نقلیه به حالت عادی، پیروزی کمونیزم را تسریع خواهد کرد. با پیروزی کمونیزم برابری کامل و اساسی زنان جامعه عمل می پوشد. امسال در «روز زنان کارگر» زنان کارگر و دهقان، مادران، همسران و خواهران تمام هم خود را به کمک به کارگران و رفقای که در جهت غلبه به هرج و مرج در راه های آهن به راه انداختن دوباره ی وسائط نقلیه هستند اختصاص دهید! همه در جهت مبارزه برای نان و هیزم و مواد خام!

سال پیش روز کارگر این بود: «همه برای پیروزی جبهه ی سرخ». حال ما از زنان کارگر می خواهیم که نیروی خود را حول جبهه ی بدون خونریزی گرد آورند؛ جبهه ی کار! ارتش سرخ دشمن خارجی را شکست داد، زیرا سازمان یافته، با انضباط و آماده برای فداکاری بود. با سازمان دهی، کار سخت، نظم و فداکاری جمهوری کارگران به دشمن داخلی نیز غلبه خواهد کرد، به خرابی وسائط نقلیه و اقتصاد، گرسنگی، سرما و بیماری.

«همه برای پیروزی جبهه بدون خونریزی کار! همه برای این پیروزی»

وظایف نوین «روز زنان کارگر»

انقلاب اکتبر به زنان برابری با مردان را تا آن جایی که به حقوق مدنی مربوط بود، داد. زن پرولتاریانی روسی کسی که چندی پیش، ستم دیده ترین و بدبخت ترین بود، حال در جمهوری شوراها قادر است که با غرور به رفقا در

کشورهای دیگر، راه برابری سیاسی و آزادی کامل زنان از طریق استقرار دیکتاتوری پرولتاریا و قدرت شوراها را نشان دهد. شرایط فرق زیادی، با کشورهای سرمایه داری، جایی که زنان بیش از حد کار می کنند و فاقد امتیازات هستند، دارد. در این کشورها صدای زنان ضعیف و بی رمق است. این درست است که در کشورهای مختلف: نروژ، استرالیا، فنلاند و در برخی از ایالات آمریکای شمالی زنان حقوق مدنی خود را حتی پیش از جنگ به دست آورده بودند.

در آلمان، بعد از این که «قیصر» سرنگون شد و جمهوری بورژوازی به سرکردگی «مسالحه گران» مستقر شد، ۳۶ زن وارد پارلمان شدند اما حتی یک کمونیست هم در میان آنان نبود. در سال ۱۹۱۹ در انگلستان یک زن برای اولین بار به نمایندگی مجلس انتخاب شد. اما او چه کسی بود؟ یک «خانم» یعنی یک زمین دار، یک اشرافی. هم چنین در فرانسه اخیراً مسأله ی دادن حق رأی و حق انتخاب شدن به زنان طرح می شود. اما فایده ی این حقوق برای زنان کارگر در چهارچوب پارلمان بورژوازی چیست؟ در حالی که قدرت در دست سرمایه داران و زمین داران است، هیچ حق سیاسی، زنان کارگر را از موقعیت سنتی بردگی خانگی در خانه و جامعه نجات نمی دهد. بورژوازی فرانسه آماده است که رشوه ی دیگری به طبقه ی کارگر دهد. در مقابله با رشد نفوذ عقاید بلشویکی در میان پرولتاریا، آنان حاضرند که به زنان حق رأی به دهند.

آقای بورژوا، آقا - خیلی دیر شده است!

بعد از تجربه ی انقلاب روسیه، برای هر زن کارگر در فرانسه، در انگلستان و در سایر کشورها واضح است که فقط دیکتاتوری طبقه ی کارگر، فقط قدرت

شوراها می تواند برابری تمام و کمال را ضمانت کند. فقط پیروزی نهائی کمونیزم می تواند زنجیرهای قرنی از ستم و نبود حقوق را پاره کند. اگر وظیفه ی روز بین المللی زنان کارگر پیش از این و در مقابل برتری پارلمان های بورژوازی مبارزه برای حق رأی زنان بود، طبقه ی کارگر امروزه وظیفه ی نوینی دارد، سازمان دهی زنان کارگر گرد شعار رزمنده ی انترناسیونال سوم. به جای درخواست شرکت در کار پارلمان بورژوا. به آوائی که از روسیه می آید گوش دهید.

"زنان کارگر تمام کشورها! جبهه ی متحد پرولتاریا را برای مبارزه علیه کسانی که دنیا را غارت می کنند سازمان دهید! سرنگون باد پارلمانتاریزم بورژوازی! ما قدرت شوراها را خوش آمد می گوئیم! نابود باد نابرابرانی که مردان و زنان کارگر را رنج می دهند! ما به همراه کارگران برای پیروزی کمونیزم در جهان مبارزه خواهیم کرد!"

"این آوا، اولین بار در میان تجربیات نظم نوین به گوش رسید. در جنگ داخلی به گوش زنان کارگر کشورهای دیگر خواهد رسید و قلوب آنان را خاطره ای به طپش خواهد انداخت. زنان کارگر گوش خواهند داد و به درستی این آوا ایمان خواهند آورد. تا همین اواخر آن ها تصور می کردند که به دست آوردن حق رأی ارزش دارد. تصور می کردند که اگر به توانند چند نماینده به پارلمان به فرستند زندگی آسوده تری خواهند داشت و ستم سرمایه داری قابل تحمل تر خواهد شد. حالا آن ها چیز دیگری می دانند.

فقط سرنگونی سرمایه داری و استقرار قدرت شورانی می تواند آنان را از دنیائی از عذاب ها، تحقیرها و نابرابری ها که زندگی زنان کارگر را در کشورهای سرمایه داری چنان سخت می کند، نجات دهد" «روز زنان کارگر»

از روز مبارزه برای حق رأی و حق انتخاب شدن به روز بین المللی مبارزه برای آزادی تمام و کمال زنان تبدیل می شود، یعنی مبارزه برای پیروزی شوراها و کمونیزم.

* سرنگون باد جهان مالکیت و قدرت سرمایه!

* نابود باد نابرابری، نبود حقوق و ستم بر زنان، میراثی از دنیای بورژوا.

* پیش به سوی اتحاد بین المللی زنان کارگر و کارگران در مبارزه برای

دیکتاتوری پرولتاریا، پرولتاریای هر دو جنس!

کولنتای

ترجمه: قره داغی

منبع: نشریه کارگر سوسیالیست شماره ۳۳ اسفند ۱۳۷۴ صفحه ۲

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.eu>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴